

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطور که قبلاً عرض کردیم یکی از اقسام تقیه، تقیه خوفیه اضطراریه می باشد که ما تا به حالا درباره آن بحث نکرده ایم و با توفیق پروردگار امروز مقداری از روایات مربوط به تقیه خوفیه اضطراریه که انسان در مقام خوف آن را انجام می دهد می خوانیم، ما قبلاً عرض کردیم که شیخ انصاری (ره) تمام اخبار تقیه را تنزیل بر این نوع کرده است و ایشان غیر از تقیه اضطراریه تقیه دیگری را ذکر نکرده است فلذا لازم است به اخباری که مربوط به تقیه اضطراریه هستند توجه شود و تقیه اضطراریه آن است که انسان خوف ضرر بر خودش و یا بر دیگری که با او مربوط است و انسان نسبت به او وظیفه دارد داشته باشد اعم از این که خوف مالی و یا عرضی و یا غیر از این دو باشد.

خوب صاحب وسائل اخبار مربوط به تقیه اضطراریه را در باب ۱۳ از کتاب الأیمان که در ص ۱۳۴ از جلد ۱۶ و سائل ۲۰ جلدی قرار دارد ذکر کرده است که ما چند خبر از این باب را می خوانیم.

خبر اول خبر ۱۶ از باب ۱۳ از کتاب الأیمان می باشد که در ص ۱۳۶ از جلد ۱۶ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است، خبر این است:

« و عنه ، عن معمر بن یحیی ، قال : قلت لأبی جعفر (ع) : إنَّ معی بضائع للناس و نحن نمرُّ بها علی هؤلاء العشار فیحلفوننا علیها ، فنحلف لهم ، فقال : وددت أنّی أقدر علی أن أجز أموال المسلمین کلّها و أحلف علیها ، کلّما خاف المؤمن علی نفسه فیهِ ضرورة فله فیهِ التقیة » .

عنه یعنی عن احمد بن محمد بن عیسی فی نوادره که نوادر یکی از کتابهایی است که در اختیار صاحب وسائل بوده ، معمر بن یحیی از طبقه ۴ است و بسیار خوب می باشد البته احمد بن محمد بن عیسی در طبقه ۷ می باشد منتهی با واسطه از معمر بن یحیی نقل می کند ، عشار مالیات بگیرها بوده اند که در اول و آخر شهر می ایستادند ، و از طرف حاکم وقت مأمور بوده اند که با ضوابط خاصی از کسانی که اموالی را خارج و داخل شهر می کنند مالیاتی بگیرند ،

خلاصه حضرت در این روایت یک قاعده کلی بیان می کنند که دلالت بر تقیه خوفیه اضطراریه دارد و آن قاعده این است که حضرت می فرمایند هر چیزی که مؤمن بر خودش بترسد و در آن ضرورتی هم باشد می تواند تقیه کند و به دروغ قسم بخورد .

خبر بعدی خبر ۱۷ از همین باب ۱۳ می باشد ، خبر این است : «

و عنه ، عن اسماعیل الجعفی ، قال : قلت لأبی جعفر (ع)

: أمرّ بالعشار و معی المال ، فیستحلفونی ، فإن حلفت

ترکونی ، و إن لم أحلف فتشونی و ظلمونی ، فقال :

أحلف لهم ، قلت : إن حلفونی بالطلاق ؟ قال فأحلف لهم

، قلت : فإن المال لایکون لی ، قال : تتقی مال أخیک »

. باز هم احمد بن محمد بن عیسی از اسماعیل بن جابر جعفی که

تقیه است و از طبقه ۴ می باشد با واسطه نقل می کند ، سنی ها

برخلاف ما در حلف بسیار وسیع قائلند مثلاً حلف به طلاق و

حلف به عتاق را صحیح می دانند ، و در این روایت هم شخصی به

حضرت عرض می کند که اگر عشار از من خواستند به طلاق قسم

بخورم آیا قسم بخورم یا نه ؟ که حضرت می فرمایند اشکالی

ندارد تو تقیه هر قسمی که خواستند بخور و مال خودت و یا

برادرت را حفظ کن ، خلاصه فقهای ما قائلند که ملاک ضرر است

چه بر خودش باشد یا بردیگری .

خوب یک بحثی در اینجا مطرح است و آن این است که اگر با

ترک تقیه ضرری متوجه او شود می تواند تقیه کند و اشکالی هم

ندارد ولی اگر ضرری نداشته باشد بلکه جلب النفع داشته باشد

چطور ؟ یعنی اگر به دروغ قسم بخورد منفعتی را جلب کرده نه

اینکه ضرری را دفع کرده باشد چطور ؟ خوب حالا باید ببینیم

آیا برای جلب النفع هم می تواند قسم دروغ بخورد یا نه ؟ بنده در

اینجا نوشته ام که اگر فقط برای جلب منفعت باشد دو قول وجود

دارد که فقیه همدانی در کتاب طهارت مصباح الفقیه و علامه

بجنوردی در جلد ۵ قواعد الفقیه و سید عبد الأعلى سبزواری در

جلد ۲ مهذب الأحکام فرموده اند جایز نیست که قسم بخورد ولی

حضرت امام (ره) و آیت الله خوئی فرموده اند قسم دروغ حتی

برای جلب نفع هم اشکالی ندارد .



خبر بعدی خبر ۱ از همین باب ۱۲ است که سنداً صحیح می باشد ،
 خبر این است : « محمد بن یعقوب ، عن محمد بن یحیی ،
 عن احمد بن محمد ، عن اسماعیل بن سعد الأشعری ،
 عن أبي الحسن الرضا (ع) - فی حدیث - قال : سألته عن
 رجل أحلفه السلطان بالطلاق أو غير ذلك فحلف ، قال :
 لا جناح عليه ، وعن رجل يخاف على ماله من السلطان
 فيحلف ليتجو به منه ، قال : لا جناح عليه ، و سألته هل
 يحلف الرجل على مال أخيه ، كما يحلف على ماله ؟ قال
 : نعم » .

خبر ۴ از باب ۱۲ این خبر است : « محمد بن الحسن باسناده
 عن الصفار ، عن ابراهيم بن هاشم ، عن النوفلي ، عن
 السكوني ، عن جعفر ، عن أبيه ، عن أبائه (ع) ، عن علي
 (ع) ، قال : قال رسول الله (ص) : احلف بالله كاذباً و نجّ
 أخاك من القتل » . خلاصه از این قبیل اخبار در این باب
 زیاد است که انشاء الله آنها را مطالعه می کنید و اما امروز
 چهارشنبه است و

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين